

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین

المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المجتهدین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

البته این مطالبی را که از مرحوم نائینی این دو روز خواندیم سابقا هم گفته بودیم اما این دفعه توضیح بیشتری به اصطلاح داده شد. بعد مرحوم نائینی در این جا مثال می زند که اما الشرائط التي يمكن ان تتعلق بها ارادة مستقلة كما اذا كان العمل من الاعمال المستقلة المستحبة او الواجبة شرطا لعمل آخر. البته ممکن به درد نمی خورد باید استظهار بشود. این که آیا قاعده تجاوز جاری می شود یا نمی شود و جهان که چون فرمودند. یک مطلبی را هم دیروز راجع به شرط ذکر و واقعی عرض کردیم، یک توضیحی می خواهد که بعد عرض می کنیم

و علی تقدیر جریان القاعدة ففی جواز ترتیب جمیع آثار وجود الشرط مطلقا حتی بالنسبة إلى غیر ما یبید المکلف من المشروط مثلا اگر شک کرد در حال نماز ظهر که آیا وضو گرفته یا نه بگوییم قاعده تجاوز جاری می شود شک در وجود وضو نه صحت وضو، بگوییم قاعده تجاوز جاری می شود و حکم می شود که وضو را گرفته، حالا که حکم شد وضو را گرفته هم این نماز ظهر که مشغول است درست است، ادامه اش بدهد هم بعد از نماز ظهر می تواند نماز عصر و مغرب و عشاء را هم انجام بدهد

أو وجوب الاقتصار علی ترتیب آثار وجود الشرط بالنسبة إلى خصوص

نه فقط می گوییم نماز ظهر درست است پس سه تا احتمال شد:

۱. اگر شک در وجود وضو کرد قاعده تجاوز جاری نمی شود، نماز را به هم بزند وضو بگیرد نماز ظهر را از نو بخواند، طبعا بقیه نماز ها را هم بخواند.

۲. این که نه قاعده تجاوز نسبت به وضو جاری می شود و حکم می کند لکن به مقدار همین نماز ظهری که الان هست ولی

برای نماز عصر باید وضوی جدید بگیرد.

پرسش: قاعده فراغ است؟

آیت الله مددی: نه قاعده تجاوز است، فراغ اگر شک در صحت وضو داشت

۳. به لحاظ این که مطلقاً حکم می کند وضو دارد و هم نماز ظهرش را تکمیل می کند هم عصر می خواند، مغرب، عشاء، تمام

آثار وضو را بار می کند.

ایشان سه تا احتمال دادند، البته نوشتند ثمره بین این سه وجه واضح است، خب طبعاً واضح است احتیاج به گفتن نیست.

فإنه لو قلنا بعدم جریان قاعدة التجاوز كان اللازم فی مثال الطهارة قطع الصلاة

باید نماز را قطع بکند و به اصطلاح استیناف نماز بعد از تجدید طهارت و به اصطلاح نماز ظهر را هم باید نمازش را قطع بکند، این

یک احتمال.

آن در مثال وضو، در مثال وضو ترتیبی که بود این جوری بود،

در مثال ظهر و عصر: العدول بالنية و إتمامها ظهراً لو شك فی صلاة الظهر فی أثناء صلاة العصر

این را اگر گفتیم که قاعده جریان پیدا نمی کند یعنی بنا بگذاریم بر عدم نماز ظهر، آن وقت بر عدم نماز ظهر که بنا گذاشتیم حکم

بکنیم به این که طبق روایات عدول بکند به نماز ظهر، بعد از این که نماز ظهرش را خواند دو مرتبه عدول بکند یعنی دو مرتبه نماز

عصر را بخواند.

العدول بالنية و إتمامها ظهراً لو شك فی صلاة الظهر فی أثناء صلاة العصر

این جا همان بحثی بود که من دیروز از قول مرحوم آقای خوئی نقل کردم که آیا شرط، شرط علمی است یا شرط واقعی؟ یک

توضیحی ما عرض کردیم به عنوان سنت و فریضه، یک اشتباهی پیش آمد حالا من این اشتباه را امروز تصحیح بکنم، این شرط در

اصطلاح این بحثی که ایشان آمد دو بحث است نه این که یک بحث باشد، این بحث سنت و فریضه ای که من گفتم درست بود این

بحث علمی و واقعی در این جا مراد چیز دیگری است، ببینید کلمه شرط گاهی به عنوان خود عمل بکار برده می شود مثل این که

.....

نماز ظهر باید قبل از عصر باشد، عصر بعد از ظهر باشد، خود ظهر، خود نماز ظهر، در این جا دو فرض می شود کرد یکی این که نماز ظهر بوجوده واقعی معیار باشد و یکی نماز ظهر بوجوده علمی یا شرطیت ذکر آشنائی، مطلع بودن، آگاه بودن، اگر بوجوده واقعی باشد اصطلاحاً این جور است که علم در این جور جاها طریقی است و لذا عرض کردیم در هر موردی که شما به اصطلاح آمدید و مواردی که لسان دلیل آمد مثلاً الخمر نجس مقتضای قاعده علم در آن جور جاها طریقی است، هر جا که حکم روی واقع برود علم طریقی است، این معیار کلی کار پس گاهی اوقات مراد از شرط یعنی خود نماز ظهر، وجود نماز ظهر، گاهی وجود نماز ظهر به وجود واقعیش مراد است و گاهی به وجود علمیش یعنی بدانی نماز ظهر، به وجود ذکریش، بدانی نماز ظهر است. این بحث است.

اگر به وجود علمی شد علم می شود موضوعی، اصطلاحاً بحث هایی که در اول رسائل در قطع طریقی و موضوعی است اگر روی واقع رفت علم می شود طریقی ولی اگر روی معلوم رفت علم می شود موضوعی، این که مرحوم آقای خوئی فرمودند در این که این جا بوجوده واقعی یا بوجوده الذکری یا علمی مرادشان این است یعنی مراد خود نماز ظهر به وجود واقعیش یا به وجود ذکریش. پرسش: ذکری یعنی همان حکم ظاهری نیست.

آیت الله مددی: نه این این جا مراد نیست

پرسش: التفات حین عمل را ذکری می گویند؟

آیت الله مددی: ذکری یعنی آگاه باشد، علم داشته باشد حین عمل.

پرسش: ظاهر دلیل

آیت الله مددی: ظاهر دلیل را من همیشه عرض کردم که به طور کلی هر دلیلی که در یک موردی آمد در آن جا علم طریقی است و آن شیء به وجود واقعیش مراد است، اگر گفت خمر نجس است خمر به وجود واقعیش نجس است نه خمری که شما علم دارید، علم داشته باشید یا نداشته باشید. معلوم الخمریة

پرسش: این ذکری و علمی کجاست؟ این شرط و تفکیک و تقسیمی که ساختند مبنایش چیست؟

آیت الله مددی: مبنایش استظهار از لسان دلیل است

پرسش: چه دلیلی می گوید ذکر علم

آیت الله مددی: اگر گفت خمر نجس است این جا به وجود واقعی، اگر گفت نماز ظهر باید باشد به وجود واقعی اما اگر گفت علمت صلیت صلوٰۃ الظهر وجود علمی و ذکر می شود، اگر علم در لسان دلیل آمد وجود ذکر می شود ولی نیامد می شود وجود واقعی، این رسمش خیلی واضح است.

پس یک بحث سر این قسمت است، خوب دقت بکنید! سر وجود نماز ظهر به وجود واقعی یا به وجود علمی یا به وجود ذکر به تعبیر ایشان، یک بحث دیگری که من مطرح کردم چون بعد فهمیدم که یکمی خلط شده گفتم یکمی توضیح بدهم آن بحث ربط و شرطیت است، البته گاهی خلط می شود اما ما این را توضیح بدهیم، ربط این مطلب مثلا ترتیب بین نماز ظهر و عصر که عصر باید بعد از ظهر باشد، خود این ترتیب، خود این شرطیت که شرط است نماز عصر بعد از ظهر باشد خود این شرطیت گاهی جز فرائض است و گاهی جز سنن است، این جا دیگر واقعی و ذکر نمی گوئیم. حالا شاید بعضی هایشان بکار می برند، این جا ما گفتیم تعبیر دقیق تر این است که در این جور جاها یا مما فرضه الله است که مما فرضه الله غالبا از قرآن یا در روایات تصریح شده استفاده می شود یا مما سنّ النبی است که غالبا چیزی است که در قرآن نیست و پیغمبر اکرم جعل فرمودند و یا راه های دیگری که عرض کردم فعلا وارد بحث تشخیص سنت نمی خواهم بشوم پس بنابراین آن بحثی را که من دیروز عرض کردم این طوری است.

پس مطلب مشخص شد، یک دفعه بحث خود شرطیت است، خود رابطه است که می گوئیم از کجا شما فهمیدید که عصر باید بعد از ظهر باشد؟ این را از چه دلیلی فهمیدید؟ این از کتاب است یا از سنت است؟ از فرائض است یا از سنت است؟ این مراد ما از فریضه است، یک دفعه در خود وجود نماز ظهر، وجود نماز ظهر بوجوده الواقعی قبل از عصر باشد عصر بعد از نماز ظهر واقعی باشد یا عصر بعد از نماز ظهر ذکر و علمی، وقتی بدانیم نماز ظهر انجام شده است.

اگر به وجود واقعی شد خوب دقت بکنید، در وجود واقعی علم می شود طریقی، اگر علم طریقی شد آن وقت فرض کنید با اصول عملیه ترخیصی هم می شود اثباتش کرد چون واقع مراد است، شک می کند آیا ظهر را انجام داده یا نه، اصل عدمش است، به اصالة العدم می تواند اثبات بکند یعنی با اصالة العدم می گوید نماز ظهر انجام داده نشده آن وقت هم روایات دارد که اگر نماز ظهر را نخواندی و عصر مشغول بودی عدول می کنیم به نیت، از ظهر از آن نماز به نماز ظهر، پس در این جا حکم مسئله عدول است. اینی که مرحوم نائینی هم می فرمایند لو قلنا بعدم جریان قاعدة التجاوز كان اللازم قطع الصلوة و استینافها و در مثال صلوة و ظهر العدول بالنية و اتمامها ظهرا لو شک فی صلوة الظهر فی اثناء صلوة العصر، این مراد ایشان این است یعنی وجود صلوة ظهر را به وجود واقعی گرفتند. اگر به وجود واقعی گرفتند و قاعده تجاوز جاری نشد، اگر قاعده تجاوز باشد این مقدم بر اصالة العدم است، اگر وجود واقعی گرفتند و قاعده تجاوز جاری نشد آن وقت این معنایش این است که ایشان شک در نماز ظهر دارد و در این جور جاها چون وجود واقعی مراد است اصل اصالة العدم جاری می شود چون وجود واقعه را می خواهد، طریقت می خواهد، حکم به این می کند که نماز ظهر، حکم به اصالة، همین طور خالی از شبهه نیست حالا بحث های تفصیلیش را بعد می بینید، خالی از شبهه نیست، نمی خواهیم ذهنتان را مشوه بکنیم. این راجع به مثال ایشان در باب عدول که در باب عدول نکته این است که علم در این جا طریقی است، آن که شرط است آنی که نماز ظهر است به وجود واقعی است، بله اگر گفتیم به وجود علمیش شرط است بدانیم نماز ظهر خوانده، اگر بدانیم با اصالة العدم احراز نمی شود یعنی با اصالة العدم یا مثلاً آن روایتی که می گوید عدول بکند مرادش بداند که نماز ظهر نخوانده است، آن وقت با اصالة العدم احراز نمی شود.

و إن قلنا بجريان القاعدة

پس اینی که ایشان می فرمایند عدول بکند این روی تمام مبانی نیست، نه این که تمام بشود، روی یک مبنایش هم این که اصلا باطل باشد، این طور نیست که اگر اصالة العدم جاری نشود.

پرسش: آن دلیل خاص دارد، اصلا اصل وجود معلوم نیست

آیت الله مددی: آن وقت در این جا ما قائل هستیم که وقتی روایت آمده که نماز عصر بعد از نماز ظهر، این نماز ظهر به وجود واقعیش مراد است، لکن اصالة العدم جاری نمی شود چون اگر وجود واقعیش باشد نکته فنیست این است که در این جا اگر عدول بکنیم چون عدول بر خلاف قاعده است در مورد واضح جاری می شود، در قدر متیقن، در قدر متیقنش آن جایی است که انسان یقین دارد نماز ظهر را نخوانده نه با اصالة العدم.

یکی از حضار: این را هم نمی شود قبول کرد چون اعتبار نیاز به دلیل شرعی دارد

آیت الله مددی: مراد من همین بود، این که گفتم بحث دارد برای همین است. الحمدلله معلوم است که مباحث سابق در ذهنتان هست که بر فرض هم بخواهیم اصالة العدم چون اصالة العدم اصل عقلائی است، اصول عقلائی نمی تواند شارح روایات باشد، نمی شود حد و مرز روایات را معین بکند، جنبه حکومت بر روایات پیدا بکند. این هم یک نکته که شما به آن تعبیر فرمودید تعبیر این است. عرض کردم که باید روی این یکمی مانور داد و صحبت کرد فعلا نمی خواهیم زیاد مشوه بکنیم.

پس بنابراین و إن قلنا بجریان القاعدة فبناء على وجوب ترتيب جميع آثار وجود، كان اللازم جواز فعل كل مشروط بالطهارة، هم نماز ظهرش را تمام بکند هم بعد عصر و مغرب و عشاء، تمام آثار، مسح مصحف و به مسجد رفتن و إلى آخره

و عدم وجوب الاتيان بصلاة الظهر بعد إتمام العصر ولو مع بقاء الوقت

ولو وقت باقی باشد دیگر نمی خواهد نماز ظهر بخواند

و أما بناء على وجوب الاختصار على خصوص ما بيده: فغاية ما يلزم جواز إتمام ما بيده من الصلاة مع الشك فى الطهارة، لكن بعد برای نماز بعدی باید وضو بگیرد، فقط همین نماز را می تواند بخواند

و جواز إتمامها عصرا مع الشك فى الظهر، وأما بعد الإتمام فيجب تجديد الطهارة للصلوات الاخر و يجب فعل الظهر مع بقاء الوقت

ایشان این جور فرمودند، مرحوم آقای نائینی این که آیا قاعده تجاوز، یکی از عجائب این است حالا با طول و تفصیلی که ایشان فرمودند مرحوم آقاضیا این جا اصلا کلا حاشیه نزده در این مبحث خامش، غالبا آقاضیا ول کن قصه نیستند اما در این جا تعجب

آور است که هیچ حاشیه ای نزدند و تصادفا این کتاب تقریرات ایشان پیش من نبود که نگاه کنم، مقالات ایشان که به قلم خود ایشان است، مقالات ایشان را نگاه کردم در آن جلد دوم در بحث تجاوز و فراغ آن جا اصلا ایشان متعرض نشدند که آیا قاعده فراغ و تجاوز در شروط جاری می شود یا نه قاعدتا در تقریراتشان نهایت افکار متعرض شدند، من در تقریرات ایشان به نهایت مراجعه نکردم، جلد چهارم گم شد لذا مراجعه نکردم، اگر بخواهم مراجعه بکنم غالبا به خود کتاب خطی، نوشته خود ایشان دست نوشته خود ایشان مقالات مراجعه می کنم، این جا مقالات این بحث را اصلا کلا ندارد، اصلا کلا بحث قاعده فراغ و تجاوز در شروط جاری می شود یا نمی شود را ایشان کلا ندارد.

هذا، والانصاف أن المسألة لا تخلو عن الاشكال؛ فان مقتضى كون قاعدة التجاوز من الأصول المحرزة هو وجوب ترتيب جميع آثار وجود الشرط مطلقا، ففي المثالين لا يجب تجديد الطهارة للصلوات كما لو كان مستصحب الطهارة

این مثالی که ایشان در مستصحب الطهارة زدند مراد ایشان واضح است، من باز یک توضیح می دهم برای این که روشن بشود، عرض کردیم یکی از فروق بین اصول محرزه و غیر محرزه در این جاست، چون در اصول محرزه می گوید این همان واقع است، کار اصل محرز این است، چون می گوید این واقع است جمیع آثار بار می شود، در اصل غیر محرز نمی گوید این واقع است بلکه می گوید تو اجتناب بکن یا انجام بده، طبیعتا جمیع آثار بار نمی شود و لذا این مثال را کرارا عرض کردم، البته طرفین مسئله شاید مخالف داشته باشد لکن مشهور بین اصحاب فعلا این است که اگر یک شیئی سابقا نجس بود شما استصحاب نجس کردید، دست تر به آن زدید دستتان نجس می شود یا لباستان با آن ملاقات کرد و یک رطوبتی که نجس بوده آن لباس نجس می شود اما اگر علم اجمالی داشتیم می دانیم یا این اناء نجس است یا آن اناء، یا این ظرف نجس است یا آن، آب در این ها هست لباس شما به یکی از این ها خورد می گویند نجس نمی شود با این که در هر دو وجوب اجتناب هست فرق نمی کند، فرقی در این است، در مستصحب النجاسة این که ایشان می گوید فمستصحب النجاسة، مطلب درست هم هست، من این مثال را کرارا گفتم برای این که ترکیز بشود چون شان استصحاب این است، شانش این است که نجس است بعنوانه، در باب اصالة الاحتياط شانش این نیست که بعنوانه نجس

است، آقایان در بحث اصول تقریر فرمودند در باب اصالة الاحتیاط حکم عقلی به وجوب اجتناب است، وجوب اجتناب این نیست چیزی که یجب الاجتناب عنه، منجز هم باشد، ما هم از راه خودمان رفتیم، تکرارش نکنیم، از راه خاصی که چرا اگر ملاقات کرد با مستصحب النجاسة نجس می شود اما اگر ملاقات کرد با احد اطراف علم اجمالی، نجس نمی شود.

پرسش: یعنی شبهه محصوره باشد؟

آیت الله مددی: بله شبهه محصوره است.

ما در آن اوائل توضیح دادیم که اصلا بحثی ندارد و بحث نابجایی است، من نمی دانم چرا آقایان مطرح کردند، یا کم کاری بود یا از سر بیکاری، این اصلا شبهه مطرح نیست، فی نفسه امر باطلی است.

علی ای حال کیف ما کان توضیحاتش گذشت، مرحوم آقای نائینی می خواهند بفرمایند که قاعده تجاوز هم مثل استصحاب است، همه آثار بار می شود و درست هم هست چون قاعده تجاوز و فراغ هر دو اصل محرز اند، اصل محرز آثار را بار می کند، اصل غیر محرز بار نمی کند، چون در اصل غیر محرز فقط عمل است، می گوید این کار را بکن. جری عملی است، چون جری عملی است معنای جری عملی این نیست که نجاست سرایت بکند، جری عملی اجتناب بکن، فقط همین مقدار.

پرسش: رفع تحیر

آیت الله مددی: آهان، به قول شما رفع تحیر، ما راه دیگری رفتیم بنا به این اصول محرز بر فرض هم بگوید نجس، نجس تنزلی و اعتباری است نه نجس واقعی، نجس تنزلی است، نجس ابداعی است، ابداع کرده است، نجس ابداعی منجس نیست چون نجس ابداعی، ابداع ذهن است، این منجس نیست، آن نجس واقعی یا بمنزلة الواقع این منجس است و لذا اگر یقین داریم این نجس است توش خون است این منجس است، بینه آمد که این نجس بوده این هم منجس است، استصحاب آمد آن هم منجس است، اصل غیر محرز آمد دیگر منجس نیست، این چهار تایی که ترتیبش را عرض کردیم، اولاً از قطع شروع می شود، بعد از اماره، بعدش اصل محرز، بعدش هم اصل غیر محرز، ما چند بار تا حالا توضیحاتش را گفتیم، این ترتیبی که آقایان در این چهار تا دارند در این ترتیب

چهار تا این نکته را مراعات بفرمایید. در قطع آثار بار می شود، در بینه و اماره هم آثار بار می شود، در اصل محرز هم آثار بار می شود، در غیر محرز بار نمی شود، از این چهار تایی که هست به این ترتیبی که مرحوم نائینی گفتند، آن وقت فرق بین بینه با اصل غیر محرز را عرض کردیم در این کتاب ها نیامده، من حضوری از مرحوم آقای بجنوردی از مرحوم نائینی نقل کردم، ایشان می فرمود فرقی این است که در باب بینه هم کاشف است هم انکشاف است، اما در باب اصل محرز، اصل محرز کاشف نیست اما انکشاف هست، این هم مطلبی بود که ما اضافه کردیم چون نه در کلمات آقای نائینی آمده و نه در کلمات مرحوم آقای کاظمی و نه در کلمات مرحوم آقای خوئی و نه حتی آقای بجنوردی، تعجب می کنم آقای بجنوردی در منتهی هم این را نقل نفرمودند، من حضوری از ایشان شنیدم.

و الانصاف أن المسألة لا تخلو عن الاشكال

من فکر می کنم شاید مرحوم نائینی می خواستند ابداع اشکال بکنند و إلا به نظرم واضح است، آنجا وضو باطل است، نماز باطل است دو مرتبه وضو بگیرد، نمازش را بخواند نماز ظهر را بخواند بعد هم عصر را بخواند، جای عدول نیست، عدول در جایی است که واقعا چیز باشد، غیر از وجود واقعیش چون دلیل عدول قدر متیقن دارد، قدر متیقنش آن جایی است که واقعا و یقینا نماز ظهر نخوانده است اما با اصل معلوم نیست، اشکال را دقت فرمودید؟ یعنی این به این حد که آقای خوئی می فرمایند شرط واقعی است یا شرط ذکری با این حل نمی شود، شرط شرط واقعی است چون دلیل آمده که عصر بعد از ظهر، هم عصر مراد نماز عصر واقعی است هم ظهر واقعی است، عرض کردیم ضابطه اش این است، هر چه در لسان دلیل آمد وجود واقعی مرادش است.

پاسخ پرسش: اصالة العدم مضافا به این اشکال که اصل عقلائی است اصول عقلائی نمی تواند شارح لسان ادله باشد، حالا غیر از این اشکال، اصالة العدم خوب است در صورتی که این دلیل ما اطلاق داشته باشد چون بنایشان به این است که عدول علی خلاف القاعده است و لذا فقط در مورد قدر متیقن جاری کردند، در آن مورد مسلمش جاری شده است و آن مورد مسلم جایی است که می داند نخوانده، این جا شبهه دارد احتمالا خوانده است لذا در این جا مقتضای قاعده احتیاط این می شود که نمازش را به هم بزند نماز ظهر

را بخواند بعد عصر را بخواند، علی ای حال کیف ما کان احتیاط مطلق این است که نماز عصر را تمام بکند، بعد نماز ظهر را بخواند،

بعد هم عصر بخواند اما خب به نظر ما

علی ای حال این که مرحوم نائینی فرمودند ان المسئلة لا تخلوا عن الاشکال، به نظر ما مسئله اشکالی ندارد

فان مقتضى كون قاعدة التجاوز من الأصول المحرزة

بحث سر این نیست،

هو وجوب ترتيب جميع آثار وجود الشرط مطلقا

خود ایشان برخورد کرده یعنی با ارتکاز فقهیش نساخته، بر فرض قاعده تجاوز بگوید تو شک در وضو در نماز کردی بگو وضو

گرفتم، نماز های بعدی چطور است؟ احراز طهارت می کنی؟ ایشان می گوید اگر بگوییم قاعده تجاوز جاری می شود باید بگوییم

تمام نماز های بعدی هم درست است یعنی با ارتکاز فقهیش نساخته، می بیند که با ارتکاز فقهیش جور در نمی آید

لا يجب تجديد للصلوات الاخر و لا يجب فعل الظهر بعد اتمام العصر و لكن الالتزام بذلك في غاية الاشکال.

خب اگر شما اصولی فکر می کنید و قاعده ای فکر می کنید چرا فی غایة الاشکال؟ قبول بکنید، این به خاطر این است که در ارتکاز

فقهاتی، این ارتکاز فقهاتی یکی از نکاتی است که حس می کند چنین چیزی را نمی تواند ملتزم باشد. انصافا خوب دقت بکنید عده

ای از این فقه پویا هستند که فکر می کنند با چند تا دلیل پهلوی همدیگر بچینند مطلب تمام می شود، ببینید مرحوم نائینی می گوید

قاعده تجاوز جاری می شود اما از آن ور می گوید فی غایة الاشکال چون قاعده تجاوز و اصول محرزه، اصول محرزه مثل

استصحاب جميع آثار باید بار بشود، نمی شود التزام داد، التزام به جميع آثار

كما أن الالتزام بعدم جريان قاعدة التجاوز أصلا - بدعوى أن مورد القاعدة هو الاجزاء والشرائط التى لا تتعلق بها إرادة مستقلة -

أشکال؛

این خیلی حرف عجیبی از ایشان است، اصلاً بحث سر این است که ظاهر قاعده تجاوز در آن جایی است که جز عمل باشد، مثل شرط کل عمل است، اصلاً این را نمی گیرد.

فان الشک فی الطهارة الحديثية لا يقصر عن الشک فی الأذان والإقامة مع أنهما من المستحبات الخارجة عن الصلاة

اولاً خوب دقت بکنید در روایت زرارہ شک در اذان و اقامہ آمده است لذا گفتیم این بحث را برای بعد می گذاریم که چکارش بکنیم، انصافاً هم مشکل است، در فتاوی قدامی ما عده ایشان که مضمون روایت زرارہ را آوردند اذان و اقامہ را خواندند بقیه اش را آوردند چون من عرض کردم خیلی دقت در کلمات بکنید، در خود روایت شک در اذان و اقامہ آمده، شک در تکبیر در حین قرائت، قرائت در حین رکوع چند تا مثال آمده است، در کلمات فقهای قدامی ما این در بعضی هایش اذان و اقامہ آمده بعضی هایش اذان و اقامہ را حذف کردند، مثال های دیگرش را آوردند ولی اذان و اقامہ را حذف کردند. پس اینی که ایشان می فرمایند در مثل اذان و اقامہ چه می گوییم؟ اولاً ممکن است در آن جا قائل به اعتبار صرف باشیم، تعبد صرف باشیم در مثل اذان و اقامہ، در آن جا هم ممکن است بگوییم این دو تا با همدیگر مقدمات نمازند به هر نحوی که شده یا اگر راه دیگری هم می توانیم بگوییم شک در وجود اذان در حین اقامہ را یعنی به عبارة اخرى به این معنا باید فرض بکنیم که در روایت فرض شده باشد شک در صحتش داشته، در وجودش به معنای این که اصل اذانش روشن است اما نمی داند آیا فلان اجزایش را گفته یا نگفته است، مضافاً به این که عرض کردیم شک در مثل اذان و اقامہ را قائل بشویم که شارع روی تعبد صرف فرموده است و إلا دلیلی هم خیلی روشن نداریم چون جای مشکل دیگر هم قاعده تجاوز دارد، دخول در غیر می خواهد، این که اقامہ غیر باشد نسبت به اذان، این هم باز محل کلام است، شاید اگر اقامہ کرد برگردد اذانش را از نو بخواند، طبق قاعده این است. اینی که ایشان می فرمایند شک در اذان و اقامہ آن را اصل قرار می دهند مانحن فیه را هم می خواهند به آن ارجاع بدهند این خیلی خیلی مشکل است، نه برخورد فقهای ما با آن روشن بوده.

بل الذي يعتبر في القاعدة هو إمكان أن يتعلق بالمشكوك إرادة تبعية، لا أنه لابد وأن يكون كذلك

این هم همین طور است، مطلب همین طور است که ایشان فرمودند.

متن کامل مطابق با صوت دروس خارج اصول فقه حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۱۳۹۸/۳/۲۱

موضوع: خاتمه بحث استصحاب، مطلب پنجم، ذیل قاعده فراغ و تجاوز

جلسه: ۱۳۰

صفحه ۱۲

.....
علی ای حال تا این جا باز مطلب تمام نشد، فردا بعضی نکات دیگری را هم عرض می کنم که مرحوم نائینی نوشتند

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين